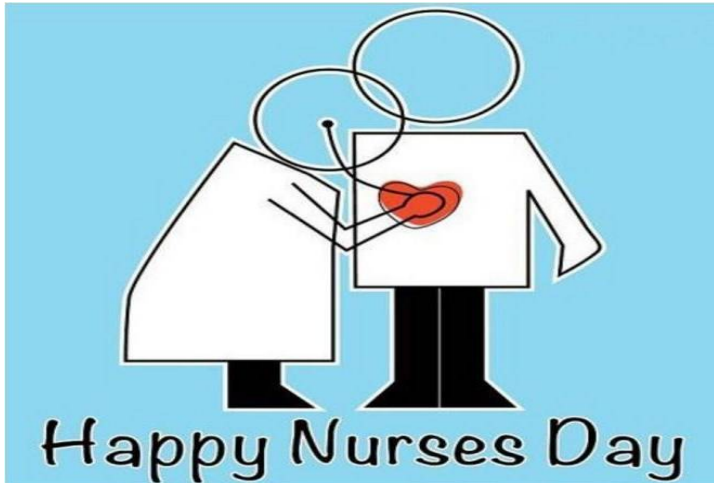


۱۲ ماه مه روز جهانی پرستار را شادباش می گوئیم



"خلیج همیشه فارس"، "خلیج عربی" یا هیچکدام؟!

صفحه ۳

محسن ابراهیمی

در ستایش کانال جدید!

گفتگوی انترسیونال با کیوان جاوید مدیر تلویزیون کانال جدید

صفحه ۴

"مخالفت با ثروتمند شدن، سوسیالیستی است"

صفحه ۵

کاظم نیکخواه

تحریر و نه بزرگ به کابینه مصطفی کاظمی

صفحه ۶

عبدل گلپریان

کرنا و همصدایی و همبستگی جهانی

صفحه ۷

هوشیار سروش

وعده پوچ پرداخت بیمه بیکاری در دوران کرنا

صفحه ۸

محمد شکوهی

اطلاعیه ها صفحه های ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴

هشدار به مردم درمورد فاجعه کرنا در ایران

اخباری از اعتراضات کارگری

تجمع و تظاهرات کارگران اخراجی شرکت حفاری نفت در جنوب

اعتصاب ۳۵۰۰ کارگر معدن زغال سنگ کرمان

اعتصاب کارگران آذربای و سیمان لوشان و حمایت های بین المللی از کارگران زندانی و معلمان در بند

اطلاع رسانی حق مردم است. دستگیری محکوم است!

جنایت حکومت اسلامی علیه افغانستانی ها را محکوم میکنیم

فعالیت حزب الله لبنان در آلمان ممنوع شد!

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۶۷

جمعه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۹، ۸ مه ۲۰۲۰

### در دفاع از

### "در آمد پایه همگانی"

حسن صالحی



بصورت نقدی و در شکل پول پرداخت می شود و نه کالایی و جنسی. پرداختش ساده است و بدون از پیچیده گی های اداری و بورکراتیک هر ماه به حساب بانکی هر شهروندی واریز می شود.

صرفنظر از تاریخ دور و نزدیک پیدایش چنین ایده ای باید گفت که نفس طرح آن حرکتی به جلو و پیشرو است. در حال حاضر برای عملی و متحقق شدن آن جنبش هایی پا گرفته است. ( اینجا نمی خواهم دامنه این جنبش ها را رصد کنم). چرا می گویم خواست "در آمد پایه همگانی" حرکتی رو به جلو و پیشروست؟

"در آمد پایه همگانی" یک

ادامه در صفحه ۲

اسامی متعددی دارد: "در آمد پایه"، "در آمد شهروند"، "همگانی"، "درآمد شهروند"، "مالیات منفی بر درآمد"، "یونیورسال کردیت" ... صرفنظر از مدل های مختلفی که برای تعریف این در آمد پایه وجود دارد تقریباً همه دارای چند فصل مشترک هستند: همه شهروندان باید به لحاظ اقتصادی احساس امنیت کنند و از این رو باید یک در آمد پایه داشته باشند. این در آمد پایه شامل همه شهروندان می شود. ( برای کودکان و بزرگسالان مبلغش متفاوت است). به افراد پرداخت می شود و نه به خانوار. برای دریافت آن لازم نیست کاری انجام داده شود. ماهیانه پرداخت می شود.

## مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## در دفاع از "درآمد پایه همگانی"

**دولت موظف است معیشت  
همه شهروندان را تامین کند**

**۱۵/۱/۱**



**تامین معیشت شهروندان و مقرر کردن یک درآمد پایه برای  
همه کسانی که فاقد درآمد و یا کم درآمد هستند صدقه  
و خیرات نیست، یک حق انسانی است.**

پاسخ فوری برای حل مشکل میلیونها نفر از مردمان کره ارض است که در اثر فقر و نداری و تنگدستی با مشکل معاش روبرو هستند. بسیاری از این انسان ها بدلیل بی تامینی از گرسنگی می میرند. با برقرار کردن یک درآمد پایه ماهیانه که بتواند به نیازهای حیاتی شهروندان پاسخ دهد این روند متوقف می شود و یک تاثیر بلافصل آن نجات یافتن فوری میلیون ها انسان از گرداب فقر و تنگدستی است.

"درآمد شهروند" در عین حال اضطراب و نگرانی دائم برای تامین معاش را از میان می برد. تشویش، دلشوره و اضطراب فراگیر امروز یک بیماری شایع است که بخشا از ناایمنی اقتصادی شهروندان و یا فشار کاری که انسان مجبور به انجام آن شده است ناشی می شود. با پرداخت درآمد پایه ماهیانه منظم به همه شهروندان، دغدغه نان دیگر مشغله انسان ها نخواهد بود. همه می دانند که زندگی آنها به درجه ای تامین است حتی اگر کار نکنند. لازم نیست نگران آینده باشند. لازم نیست نگران اخراج از کار باشند.

همانطور که مثلا جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر با خواستهایی مبنی بر رایگان کردن کل وسایل برآورده کردن نیازهای بشری، نظام سرمایه داری را مورد هدف قرار می دهد، گفتمان برقراری "درآمد پایه همگانی" نیز می تواند به گفتمان سوسیالیستی در جامعه برای خلاص شدن از نظام

کارمزدی دامن بزند. در نظام استثمارگرانه سرمایه داری کار یک فعالیت آزادانه و اجتماعی و داوطلبانه نیست یک اجبار اقتصادی است. ما مجبور می شویم برای سرمایه و سرمایه دار کار کنیم چرا که معاش ما را به گروگان گرفته اند. شما هر چه بیشتر کار می کنید کمتر انسانی می شوید چرا که کار را متعلق به خود نمی دانید و خود را خارج از آن احساس می کنید. برقراری "درآمد پایه همگانی" بطور سلبی به این معنی است که تامین معاش به اجبار اقتصادی جان کندن برای سرمایه گره نخورده است. درست است که سرمایه داری هنوز حاکم است و اکثریت جامعه اسیر مناسبات مبتنی بر کارمزدی هستند ولی نفس این خواست دریچه ای را در مقابل بشر قرار می دهد که می توان جامعه ای داشت که کار دیگر نه اجبار اقتصادی بلکه یک فعالیت داوطلبانه اجتماعی باشد. به لحاظ امکانات مادی شرایط تحقق این خواست کاملا مهیاست ولی این خود مناسبات سرمایه داری است که به سدی برای عملی کردن این مطالبه تبدیل شده است و طبعاً باید این سد را با قدرت مبارزه و اعتراض درهم شکست.

عده ای می گویند که با برقراری "درآمد پایه همگانی" مردم "تنبیل" می شوند و دیگر کار نمی کنند. همین استدلال نخ نما را نیز سرمایه داری در باره یک خواست قدیمی طبقه کارگر یعنی بیمه بیکاری مطرح می کرد و هنوز

هم مطرح می کند. همانطور که قبلاً ذکر شد از نظر ما کار یک فعالیت اجتماعی است که انسان بنا خصلت اجتماعی خود هیچ وقت تمایل به انجام آنرا از دست نمی دهد. کار و یا بهتر بگوئیم فعالیتی که وسیله ای اجباری برای تامین معاش نباشد از قضا در نزد انسان ها مقبولیت بیشتری دارد. چرا که آنوقت بنا به تمایل خودت کار می کنی و نه اجبارهایی که دیگران به تو تحمیل کرده اند. بنا براین می شود انتظار داشت که وقتی مشغله تامین معاش از میان برداشته شود شهروندان نه فقط "بیکار" نمی شوند بلکه به فعالیتهایی روی می آورند که دوست دارند. در این حالت می توان انتظار داشت که هنر و فرهنگ و ادب شکوفا شوند، نوآوری و اختراع بیشتر گردد، کشفیات تازه بیشتر انجام گیرد و فعالیتهای مفید تازه ای عروج پیدا کنند که پیش از این "کار" محسوب نمی شدند ولی برای تکامل جامعه لازم و کارساز هستند. یک جنبه مثبت دیگر شعار "درآمد پایه همگانی" مربوط می شود به معضل بیکاری در جامعه. در صورت تحقق این خواست آنوقت کارمزدی تنها وسیله تامین

معاش نیست بنابراین کسی که کار نمی کند و یا از کار بیکار می شود به این دلیل امکان معاش خود را از دست نمی دهد. واقعیت این است با رشد معجزه آسای بارآوری کار و نقش خودکاری و اتوماتیزاسیون در تولید ما قادریم با ساعات کار بسیار کمتری ضروریات زندگی بشری را تولید کنیم. اما در نظام سرمایه داری عظمت قدرت آفرینندگی کار بشر به وسیله ای برای حقارت و بردگی وی تبدیل می شود. بجای اینکه استفاده از ماشین شرایط کار و زندگی بشر را بهتر کند ولی سرمایه داری با اخراج های وسیع و تحمیل ساعات کار طولانی باعث مشقت بیشتر شهروندان می شود. برقراری "درآمد پایه همگانی" ابزاری بدست شهروندان می دهد که در مقابل این حرص و ولع سیری ناپذیر سرمایه داران بایستند. بنا به دلایلی که در بالا ذکر آن رفت من از "درآمد پایه همگانی" و یا "درآمد پایه منظم ماهیانه" دفاع می کنم و همگان را نیز فرامی خوانم بعنوان یک مطالبه پیشرو از آن دفاع کنند. در ایران معنای عملی و فوری این شعار از نظر ما این است که

همه افراد فاقد درآمد و یا کم درآمد در آمد باشند تا بتوانند برخوردار باشند تا بتوانند نیازهای اساسی زندگی خود در زمینه مواد غذایی، پوشاک، مسکن، فراغت و تفریح و فرهنگ و غیره را تامین کنند. این خواستی است که در شرایط امروز ایران قدرت بسیج و متحد کردن توده وسیعی از مردم را دارد و کاملاً عملی است.

پرواضح است که شعار استراتژیک ما کمونیستها شعار "از هرکس به اندازه قابلیتش و به هرکس به اندازه نیازش" است. این یعنی ساختن جامعه ای حقیقتاً انسانی که تمامی نیازهای شهروندان را بدون هیچ چشم داشتی و به بهترین وجه تامین کند و در عوض توان و استعداد هر شهروندی را - در هر حدی که باشد- در جهت شکوفایی زندگی اجتماعی به خدمت بگیرد. برای برپایی چنین جامعه ای باید نظام سرمایه داری را به دور انداخت و به عصر بردگی مزدی و استثمار و سرمایه پایان داد و با اشتراکی کردن و سایل تولید اجتماعی، تولید ثروت اجتماعی و توزیع آن در خدمت تعالی فرد و جامعه قرار داد.\*



شده اند.

درست است که بحران کرونا گسستی در تداوم خیزش آبان بوجود آورده است اما همه می دانند و جمهوری اسلامی بیشتر از همه می داند که این گسست موقت است. هنوز مرگ گسترده با کرونا ادامه دارد که اعتصابات کارگری چند هزار نفر - مثل معدن زغال سنگ کرمان - آغاز شده است. جمهوری اسلامی واقف است که تهدیداتی که در آبان ۹۸ صدها شهر و منطقه را به میدان مقابله با جمهوری اسلامی تبدیل کردند، همراه با میلیونها نفری که به خیل بیکاران پیوسته اند، این بار حتی خشمگین تر و قاطع تر به خیابانها باز خواهند گشت و به قول مشاوران اقتصادی روحانی ممکن است برای نجات خیلی دیر شود.

به این اعتبار، روشن است که "خلیج همیشه فارس" یک تاکتیک تبلیغاتی سیاسی برای مقابله با شبخ بازگشت خیزش علیه جمهوری اسلامی است. و البته با توجه به مردمی که مثلا شعار می دهند "دروغ میگو آمریکاست، دشمن ما همینجاست"، این یک تصور ابلهانه است که مقدسات ناسیونالیستی بتواند جمهوری اسلامی را نجات دهد!

**چاپلوسی متقابل ناسیونالیسم!**

چاپلوسی متقابل ناسیونالیست ها به جمهوری اسلامی هم البته جالب است. این هم دلیل سیاسی روشنی دارد. ناسیونالیسم البته دشمن اسلام ادامه در صفحه ۹

صحبت می کنند که گویا تاریخ هزاران ساله دارد. یکباره احمدی نژاد از سر چاه جماران به پاسارگاد می رود و چفیه بسیجی بر گردن سرباز هخامنشی و کاوه آهنگر می اندازد. شاهنامه را "توحید نامه" می خواند و لوح کورش را از موزه لندن می آورد و با سلام و صلوات میان آیت الله ها می چرخاند. رفسنجانی "دشمن" را تهدید می کند که برای رسیدن به ابوموسی باید از دریای خون عبور کند. وزیر اطلاعات خاتمی وعده می دهد که زمان آن رسیده است هلال احمر را با شیر و خورشید جایگزین کرد. معلوم میشود که کورش اصلا از جنس پیامبران بوده و یادمان نرفته است که خامنه ای به مردم استغائه کرد که اگر حتی او را نمی خواهند، به خاطر کشور ایران در مضحکه انتخابات شرکت کنند و اخیرا حتی معلوم شده است شخص "رهبر" تعصب ویژه ای به نام "خلیج همیشه فارس" دارد. و بالاخره در داستان مضحک "خلیج همیشه فارس"، اسلاميون حاکم و "اپوزیسیون" ناسیونالیست پای همدیگر را لگد زدند که در این "دفاع قهرمانانه از ناموس میهن در مقابل عربها" دست بالا داشته باشند!

سؤال این است که چرا و چه شده است که اسلام سیاسی به ناسیونالیسم و مقدسات ناسیونالیستی پناه برده است؟ پاسخ روشن است. مقدسات اسلامی به گل نشسته است و به مقدسات ناسیونالیستی آویزان شده اند. اسلام منفور شده است، به ناسیونالیسم محتاج

به نام بهزاد پکس در آهنگ "عرب کش" در هم آمیخت. "عرب کش" در پس زمینه ای از پوسته های خامنه ای و قاسم سلیمانی و کورش وعده داد که "عربها" را در پای مقبره کورش گردن خواهند زد. از پیش بگویم که مردم آگاه و پیشرو و انساندوستی که برای نابودی حکومت اسلامی بپاخاسته اند، این آرزوی جلادی مشترک جنبش اسلامی و ناسیونالیسم را به گور خواهند سپرد.

کشمکش میان شیوخ حاکم در منطقه و جمهوری اسلامی بر سر نام خلیج و دلایل و اهدافی که دو طرف دنبال می کنند و همچنین داستان دست به گردن شدن های مکرر اخیر میان اسلاميون حاکم و ناسیونالیست های در "اپوزیسیون" چه دلایلی دارد؟ هدف چیست؟

### هدف منطقه ای!

هنوز تکلیف سیاسی بحران منطقه روشن نشده است. هنوز جنگ نیابتی میان دو اردوی تروریسم اسلامی شیعی به سرکردگی جمهوری اسلامی از یک طرف و تروریسم سنی به سرکردگی عربستان سعودی از طرف دیگر در جریان است. ابراز وجود ناسیونالیستی در خلیج برای هر دو حکومت تروریستی اسلامی فقط یک جلوه از همین کشمکش منطقه ای برای اعمال نفوذ است. از طرف جمهوری اسلامی، عاشورا راه انداختن بر سر یک عنوان، جلوه دیگری از تحرکات تبلیغی مثل موشک زدن به پالایشگاه و بمب زدن بر چند کشتی و مانورهای مسخره قایق های سریع السیر سپاه پاسداران در دور و بر ناو آمریکا است.

**هدف سیاسی: اسلام منفور به ناسیونالیسم ارتجاعی پناه می برد!**

مدت هاست که سران حکومت اسلامی برای مقدسات ناسیونالیستی دایه مهربان تر از مادر شده اند. مدت هاست به جای "امت" اسلامی و تاریخ ۱۴۰۰ ساله اش، از "ملت"

## "خلیج همیشه فارس"، "خلیج عربی" یا هیچکدام؟ محسن ابراهیمی



انداخت و او را دار زد. جرمش چه بود؟ "جریحه دار کردن عفت عمومی!" بعدا معلوم شد که عاطفه در دادگاه افشا کرده بود که عضو ۵۱ ساله سپاه به نام علی دارابی به وی در زندان بهشهر بارها تجاوز کرده بود! واکنش ناسیونالیسم به این جنایت چه بود؟ هیچ. ناسیونالیسم وقت نداشت. مشغول حراست از "ناموس" "خلیج همیشه فارس" بود که نشریه نشنال جئوگرافیک به آن تجاوز کرده بود!

زمانی دیگر، خبر "هتک حرمت ناموسی" دو زائر جوان ایرانی در جریان حج عمره در فرودگاه جدّه توسط شرطه های عربستان سعودی، فرصت دیگری فراهم کرد که ناسیونالیسم و ارتجاع اسلامی باهم جنب و جوش مشترکی راه بیندازند. جمهوری اسلامی که خودش پرونده سنگینی از تجاوز به دختران جوان در زندانهایش در دهه شصت را دارد، مقابل سفارت عربستان یک تظاهرات فرمایشی ناموسی راه انداخت تا چند صد نفر بسیجی از ناموس "ایرانیها" در مقابل "عربها" دفاع جانانه کنند! شنیدن نعره های "حیدر حیدر" در کنار "ای ایران ای مرز پرگهر" در این تجمع "ناموسی، ملی، میهنی، اسلامی" چندان آور اما بسیا گویا بود.

همان زمان، تمام ردالت و دنائت و خونخواری و پلیدی مشترک در کارا کتر سیاسی اسلام و ناسیونالیسم، نژاد پرستی مشترک میان اسلام سیاسی حاکم و ناسیونالیست های در "اپوزیسیون" را جوجه فاشیستی

هر وقت کسی در گوشه ای در مقابل اسم خلیج، کلمه "عربی" بکار می برد فوراً اسلام و ناسیونالیسم - اسلاميون حاکم و ناسیونالیست های در "اپوزیسیون" - به آغوش هم در می غلظند. این بار مایک پمپئو با بکار بردن "خلیج عربی" در گفتگویی این دو ارتجاع را مجدداً به آغوش هم هل داده است.

۱۶ سال پیش وقتی نشریه نشنال جئوگرافیک مقابل عبارت "خلیج فارس" و داخل پرانتز "خلیج عربی" نوشته بود، نعره های مشترک لشکر اسلام و ناسیونالیسم به آسمان بلند شد که این خلیج "همیشه فارس" بوده و همیشه فارس خواهد ماند!

همانوقت دو سمفونی "خلیج فارس" درست شد. یکی توسط دولت اسلامی حاکم در تهران و دیگری توسط "اپوزیسیون" ناسیونالیست در لوس آنجلس. واقعا دیدن عمامه داران و یقه حسنی هایی که در سمفونی تهران ریش تا ریش نشسته بودند و ادای اندوه و خشم در می آوردند و پایون دارانی که در سمفونی لوس آنجلس گوش تا گوش نشسته بودند و ایضا ادای اندوه و خشم در می آوردند تماشایی بود!

تقریباً همزمان با این "تجاوز" نشنال جئوگرافیک به "عزت ملی و اسلامی"، میدان شهر کوچک نکادر شمال ایران شاهد جنایت دلخراشی بود. در آن صبح خونین قاضی حاج رضایی شخصا طناب دار بر دور گردن دختر دانش آموز ۱۶ ساله ای





## در ستایش کانال جدید!

گفتگوی انترناسیونال با کیوان جاوید

مدیر تلویزیون کانال جدید



**انترناسیونال:** در شروع گفتگویی که قبل از شروع این مصاحبه داشتیم از صحبت هایت بوی ویژه ستایش از کانال جدید به مشام می رسید به همین دلیل تیترا مصاحبه پرطمطراقی را انتخاب کردیم "در ستایش کانال جدید"، آیا نگران نیستید که شما را به خودبزرگ بینی و از خود راضی بودن متهم کنند؟

**کیوان جاوید:** بنظر من، ما متهم می شویم اما اگر حوصله کنند و منصف باشند خواهند دید که حزب کمونیست کارگری، کاری در تاریخ سیاسی ایران انجام داده است که سابقه نداشته و به این دلیل شایسته چنین ستایشی هست. اول از تامین مالی یک تلویزیون با استودیو ها و چندین کارمند تمام وقتش بگویم. فکر می کنم سالی ۳۰۰ هزار دلار خرج کانال جدید می شود. این پول کمی برای یک حزب خلاف جریان کمونیستی نیست. هیچ دولتی نمی گوید بله اینها حزب خیلی خوبی هستند و باید زیر پر و بال اینها را از نظر مالی گرفت تا جمهوری اسلامی را شکست بدهند. بنابر این فعالین حزب کمونیست کارگری باید همه امکانات مالی را خود فراهم کنند و این کار تا حالا که ۱۶ سال از عمر تلویزیون کانال

جدید می گذرد به خوبی پیش رفته است.

در رابطه با پرسنل کانال جدید نیز فکر می کنم یک بدعت گذاری بی نظیر داشته ایم. فعالین و برنامه سازان و کادر فنی و تهیه کنندگان و مصاحبه شوندهگان و تهیه کنندگان کلیپ و کسانی که صدای شان را روی کلیپ ها و اطلاعیه ها می شنوید همگی داوطلب و عموماً شاغل هستند. یعنی مثل همه کسانی که مجبورند در بیرون کار کنند و نان خودشان را در بیاورند، این فعالین هم کار می کنند و از وقت باقی مانده در زندگی شخصی شان برای فعالیت در کانال جدید استفاده می کنند. این مسئله یک مشکل اساسی بوجود می آورد. بسته به شیفت کاری یا روزهای تعطیلی کادر فنی و مهمانان و تهیه کنندگان برنامه، باید انعطاف زیادی داشت و ما داریم و می بینید که بقول یکی از دوستان حجم تولیدات و تنوع برنامه های کانال جدید خیلی زیاد است.

می توانید شبکه رسمی و دولتی باشید و همه امکانات فنی و کادر تهیه برنامه را با پول گرد بیاورید. شبکه هایی هستند که دولت های مرتجع منطقه سر کیسه را برای آنها شل می کنند و می گردند و با تجربه ترین افراد و پر هزینه

ترین دکوراسیون ها را تهیه می کنند. در کانال جدید از تعمیرات و نجاری و بنایی و برق کشی تا کادر فنی داوطلبانه انجام میشود و کار میکنند و به نظر من این یک دستاورد بزرگ برای ما است که بتوانیم با این نیرو کار کنیم، خسته اش نکنیم، امر و نهی هم که در میان نیست. همه با هم برابرند و بحث می کنند و نظر هم دارند و باید از کاری که می کنند راضی باشد و احساس نشاط و سرزندگی کنند، ما این کار را بخوبی انجام داده ایم.

**انترناسیونال:** جنبه فنی و دستاوردهای اجرایی و تامین مالی یک طرف، از نظر سیاسی چه کار کردید و کجا هستید؟

**کیوان جاوید:** بگذارید از آخرین نمونه برایتان مثال بزنم. دو روز پیش پیامی داشتم که کد کشوری اش برای من ناآشنا بود. تماس ها با کانال جدید معمولاً از ایران و تقریباً ۱۰ درصد تماس ها از افغانستان است. این کد کشوری آشنا نبود. در جواب به یادداشت نوشتم لطفاً زنگ بزنید تا صحبت کنیم. ۹ صبح از طریق واتس آپ تماس برقرار شد. یک خانم جوان با چهره ای خندان و مهربان آن سوی خط بود. اولین سئوالم از ایشان این بود که از کدام کشور تماس گرفته اند. جواب داد از تاجیکستان. خب خیلی برایم عجیب بود که کسی از

تاجیکستان با کانال جدید در تماس باشد. کلی صحبت کردیم و قرار و مدار گذاشتیم که در یک برنامه مهمان ما باشد. این یک نمونه است. از ایران روزانه دهها تماس تلفنی داریم. کلیپ می فرستند و پیشنهاد می کنند و می خواهند فعال باشند. یک نمونه دیگر یک خانم از کرج زنگ زد و خواهان فعالیت با کانال جدید بود. از ایشان پرسیدم برای اینکه بدانم در چه حوزه ای می توانید همکاری ما باشید باید به چند سؤال جواب بدهید. مثلاً شاغل هستید یا دانشجو یا خانه دار.

در جواب گفت که مهندس آرشیستکت است و همسرش نیر دکتر است و در یکی از بیمارستانهای تهران مشغول به کار است. از این نمونه ها زیاد است. سؤال این است چرا از همه اقشار اجتماعی و بخش قابل ملاحظه ای از فعالین اجتماعی کانال جدید را می بینند و تماس می گیرند و بخشا می خواهند فعال بشوند؟ این مارا به اینجا می رساند که ما در بیان خواستههای مردم و مقابله با جمهوری اسلامی هیچ حد و مرزی نداریم. ما تابو شکنیم و با هیچ فرهنگ عقب مانده ای سر سازش نداریم. آزادی خواهی ما با اما و اگر شروع نمی شود. سرنگونی طلبی ما بی کم و کاست است. برابری طلبی و انسان دوستی حزب و کانال جدید زبانزد است. دفاع

از حقوق زن، علیه مذهب بودن و دفاع از حقوق مدنی شهروندان را بی کم و کاست می خواهیم. بینندگان کانال جدید این تفاوتها را بخوبی می بینند و در صداقت و درستی کار ما شک ندارند. این یک دستاورد عظیم سیاسی است. ما با تمام رهبری یک حزب خوش نام و بزرگ جلوی چشم همه مردم ایران هستیم.

**انترناسیونال:** نکاتی که گفتید خوب و قابل قبول، اما آیا به تعداد کافی بیننده دارید که بگویند یک تاثیر اجتماعی سراسری بر افکار و آرا و مبارزات مردم علیه جمهوری اسلامی می گذارید؟

**کیوان جاوید:** کانال جدید در همه شهرهای ایران و در هر جایی که یک دیش ماهواره ای در ایران برافراشته است بیننده دارد. دوستی می گفت کانال جدید را جایی که عشایر کوچ نشین زندگی می کنند دیده و در یک قهوه خانه سر راه از صاحبش پرسیده که آیا تلویزیون کانال جدید را می بیند و پاسخ شنیده است بله تلویزیون «حزب کارگری» را می گوئی.

از بیرون حزب دوستانی مهمان برنامه ای در کانال جدید بودند که مشاهده آنها جالب است. یکی از این دوستان عزیز می گفت، همان شبی که برای اولین بار مصاحبه با من پخش شد خواهرم از ایران تماس گرفت ادامه در صفحه ۱۰

## "مخالفت با ثروتمند شدن،

## سوسیالیستی است"

کاظم نیکخواه



کمونیستها و سوسیالیستها به این "گناه" اعتراف میکنیم که عمیقا با این تبعیض عظیم و باور نکردنی طبقاتی مخالفیم و امر خود را این قرار داده ایم که کل این سیستم نابرابر و ضد انسانی را از اساس زیر و رو کنیم.

اما نکته اصلی تر اینست که چرا این روزها حکومتی ها مدام آدرس سوسیالیستها و کمونیستها و حزب کمونیست کارگری را میدهند؟ وقتی کسی به مساله خصوصی سازیها فکر کند متوجه میشود که در سطح جامعه یک جنبش گسترده وسیع در مراکز کارگری علیه خصوصی سازیها جریان دارد. بخشی از حکومتی ها دوست دارند و تلاش میکنند این جنبش را به نفع "دولتی کردن یا دولتی ماندن" سرمایه ها تعبیر کنند و امر جناحی خود را پیش ببرند. گویا کارگران وقتی با خصوصی سازیها مخالفت میکنند طرفدار کارفرمایان دولتی هستند. این مطلقا واقعیت ندارد. در واقع بحث همان است که جهانگیری به نحوی بیان میکند. و آن اینکه کارگران با چپاول داراییهای کارخانجات و شرکتهای توسط چند مولتی میلیاردر مفتخور حکومتی که بمعنای ثروتمند تر شدن بیشتر آنها و فقر بیشتر، اخراجهای گسترده تر، و نا امنی بیشتر شغلی و امثال اینهاست مخالفت میکنند. کارگران با اعتصابات و راهپیمایی ها و اعتراضات گسترده خود از شغل و دستمزد و زندگی خود دفاع میکنند نه مطلقا از آنچه که "دولتی کردن" نامیده میشود. سرمایه داران در ایران تحت حکومت اسلامی چه بخش دولتی چه خصوصی سروته و یک کرباسند و با بیرحمی تمام فقر کمز شکنی را به زندگی کارگران تحمیل کرده اند که بطور واقعی یک جهنم است. کارگران و معلمان و بازنشستگان و دانشجویان در صفی واحد در این سالها در

انداختن روی منابع اجتماعی هستند. نه فقط کارخانجات و معادن و شرکتهای پالایشگاهها و حمل و نقل، بلکه حتی جنگلها وزمینها و رودخانه ها و جزایر و دریاچه ها را تصاحب کرده اند. گزارشات زیادی گویای اینست که در موارد زیادی به بهانه های مختلف اینها خانه های مسکونی مردم را به دلیل وثیقه گذاری یا حتی به دلیل اختلاف با فلان مقام حکومتی با زور مصادره میکنند. این طیف حریص ترین و درنده خوترین بخش از سرمایه داران را تشکیل میدهند. اینها عمدتا سرشان به سپاه پاسداران و بیت خامنه ای و حکومتی ها بند است و هرگونه مخالفتی را با سرکوب و دستگیری و نیروی مسلح پاسخ میدهند.

وقتی جهانگیری از مخالفت سوسیالیستها با ثروتمند شدن سخن میگوید این را اشاره نمیکند که بحث بر سر ثروتمند شدن در ابعاد نجومی یک اقلیت چند هزار نفری در مقابل فقر کمز شکن و کشنده اکثریت عظیم مردم است. در ایران شکاف فقر و ثروت برآستی از زمین تا آسمان است. چند میلیون نفر از مردم بدون هیچ تامل و هیچ منبع در آمدی به نان شب محتاجند و عده ای مفتخور سرمایه دار ثروتهایشان از همه جای دنیا سر در آورده است و نمیدانند با پولهای عظیمشان چه کنند. آری ما

اسحاق جهانگیری معاون اول حسن روحانی در مورد مخالفت با ثروت اندوزی سرمایه داران و آقازاده ها که اکنون با سیاست خصوصی سازیها چپاول عظیم تری را به جریان انداخته اند، میگوید "متأسفانه حساسیت نادرستی نسبت به ثروتمند شدن افراد در جامعه وجود دارد و این نشات گرفته از تفکرات سوسیالیستی است".

این نوع اظهار نظرها در مورد چپها و سوسیالیستها مدتی است از درون حلقه حکومتی ها زیاد شنیده میشود. اما فعلا کل این اظهار نظرها در مورد نقش کمونیستها را کنار بگذاریم و سراغ همین جمله جهانگیری معاون روحانی برویم. او از "مخالفت با ثروتمند شدن" سخن میگوید. اما سوال اینست که بحث بر سر ثروتمند شدن چه کسانی، چند درصد از جامعه است؟ بحث کنونی اسحاق جهانگیری اساسا برسر مشکلاتی است که حکومت در زمینه خصوصی سازیها با آن مواجه است. چند نکته در این رابطه قابل توجه است. اولاً خصوصی سازیها همه میدانند که داستان بزل و بخشش کارخانه های دولتی به آقازاده های حکومتی است. یعنی طیف بسیار محدودی از سرمایه داران که با رانت خواری های نجومی ثروتهای فوق نجومی بهم زده اند و همچنان در حال چنگ

## یا سوسیالیسم یا بربریت

یک دنیای بهتر،

دنیایی فارغ از نابرابری، تبعیض و ستم  
ممکن است!

شناخته شده ای را به حزب کمونیست کارگری منتسب کرده اند تا راحت تر بتوانند علیه آنها پاپوش دوزی و پرونده سازی کنند.

حقیقت اینست که یک جنبش حق طلبانه، ضد سرمایه داری، ضد تبعیضات طبقاتی و ضد مفتخوران حاکم و غیر حاکم جریان دارد. این جنبش تلاطمی را در کل ارکان حکومت اسلامی ایجاد کرده است و دست اندرکاران حکومت دیگر نه میتوانند آنرا کتمان کنند و نه میتوانند آنرا عقب برانند و ساکت کنند. اخیرا اقتصاددانان شناخته شده حاشیه حکومت نظیر حسین راغفر و محسن رنایی با تجزیه و تحلیل اوضاع ورشکسته اقتصادی ایران و چپاولها و دزدیها این نتیجه گیری را اعلام کردند که بطور قطع با اوضاع کنونی، شورشها و خیزشهای گسترده تری علیه حکومت در پیش است و ابعاد و عمق آن از خیزش آبانماه بسیار بیشتر خواهد بود و حکومت قادر به کنترل آن نخواهد بود. برخی چهره های حکومتی شناخته شده هم بارها در این زمینه هشدار داده اند. این کابوسی است که خواب راحت را از تمام حلقه های حکومتی گرفته است و مدام به عبث به این در و آن در میزنند تا بنحوی فضا را آرام تر کنند و آدرس عوضی بدهند. اما نیازی به این نیست که کسی ثابت کند که این تلاشها محکوم به شکست است. چون خود دارند به آن اعتراف میکنند.\*

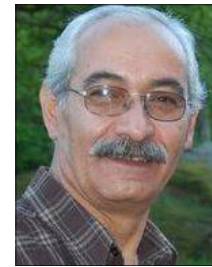
حال جدال با تمام بخشهای سرمایه داران و کارفرمایان و حکومت اسلامی شان بوده اند و مدام با بیانیه ها و شعارها و راهپیمایی ها و اعتراضات خود کل مفتخوران را مورد حمله قرار داده اند. این مبارزه و جنبش گسترده ای است که وسیعا در کارخانه ها و خیابان ها و سطح شهرها جریان دارد. اینجا معنای حرف جهانگیری و دیگر دست اندرکاران حکومت در اشاره سوسیالیستها و کمونیستها و چپها مشخص تر معنا پیدا میکند. اینها نمیخواهند اعتراف کنند که چندین میلیون کارگر و معلم و بازنشسته کل سیستم تبعیضات اجتماعی و اقتصادی و حکومت را به مصاف گرفته اند. چنین اعترافی به معنای اعتراف به شکست و نابودی است. بعلاوه نمیتوانند حرکت کارگران و معلمان و بازنشستگانی را که علیه تبعیضات طبقاتی و حقوقهای نجومی و نپرداختن دستمزدها و علیه خصوصی سازیها و اخراجها و کل اجحافات سرمایه داران اعتراض میکنند به روال معمول به حساب "منافقین" و سلطنت طلبان و امثالهم بگذارند. چون این مبارزات هیچ سنخیتی با خط و سیاست این جریانات راست و طرفدار سرمایه داری ندارد و با هیچ سریشمی به آنها نمی چسبد.

در نتیجه آدرس سوسیالیستها و کمونیستها و چپها را میدهند که مستقیما با کارگران تداعی میشوند. قبلا هم مستقیما مبارزات کارگری مشخص و رهبران کارگری

## تحریر و نه بزرگ به کابینه

مصطفی کاظمی

عبدل گلپریان



### نگاهی به تحولات سیاسی در عراق

تحولات سیاسی در عراق بر بستر دو جبهه نبرد در این کشور که در مقابل هم صف آرایی کرده اند قابل بررسی کردن و ارزیابی است. یکم نارضایتی توده های میلیونی مردم که از مقطع سرنگونی حکومت بعث صدام حسین یک روز خوش بخود ندیده و خواهان تغییر ساختار و نظام حاکم بر این کشور هستند و در سوی دیگر دولت، پارلمان، احزاب عشیره ای اسلامی، دارودسته گروه های مسلح، همراه با ایفای نقش جمهوری اسلامی و دولت آمریکا در عراق است. بدون بررسی نقش، افق و اهداف این دو جبهه اصلی و ربط مستقیم آنها به یکدیگر، تحلیل و ارزیابی از رویدادهای عراق یک بررسی سطحی نگرانه خواهد بود.

#### قیام مردم عراق

اوایل اکتبر ۲۰۱۹ و در ادامه اعتراضات دوره های قبل از آن، تعرض رادیکال، سکولار و میلیونی مردم در سراسر شهرهای عراق بار دیگر شروع به خروشییدن کرد و به میدان آمد. مردم معترض که انگشت اتهام را بسوی احزاب پارلمانی عشیره ای - اسلامی حکومت در بوجود آوردن فقر، بیکاری، عدم تامین امنیت و گسترش فساد حکومتی و چپاول هستی

محمد توفیق علاوی را مامور تشکیل کابینه کرد که در مدت یک ماه کابینه را با توافق پشت پرده احزاب شریک در قدرت سرهم بندی کرده و به پارلمان معرفی کند. اینکه احزاب پارلمانی، جمهوری اسلامی و دولت آمریکا تا چه میزان برای نخست وزیری توفیق علاوی توافق کرده بودند یا نه، چندان تعیین کننده نبود.

آنچه تعیین کننده بود همانا اراده مردمی بود که در میدان تحریر و دیگر میادین و خیابان های شهرهای عراق حضور داشتند. مامور کردن علاوی برای پست نخست وزیری و تشکیل کابینه بلافاصله از سوی مردم معترض و انقلابی که در خیابانها حضور همیشگی داشتند مردود اعلام شد تا جایکه توفیق علاوی حتی فرصت آنرا پیدا نکرد که اعضای کابینه اش را تعیین و به پارلمان عراق معرفی کند و ناچار به کناره گیری شد. این تحول نیز تحرک و اراده مردم عراق در مصمم بودن بر خواسته هایشان را تقویت و آنرا بعنوان پیروزی دیگری در کارنامه مبارزاتی و جانفشانی خود ثبت کردند.

بدنبال آن رئیس جمهور عراق اینبار عدنان زرفی را دست نشان و مامور تشکیل کابینه کرد که در مدت یکماه قال قضیه معرفی کابینه را بکند. معرفی عدنان زرفی در گرما گرم شیوع ویروس کرونا و علیرغم اختلاف نظر احزاب پارلمانی بر سر نخست وزیری او و موافقت ترامپ با زرفی و مخالفت جمهوری اسلامی با او، اما باز هم این مردم معترض و ناراضی بودند که مهر باطل بر نخست وزیری عدنان زرفی کوبیدند و او هم کنار رفت.

#### نخست وزیری مصطفی کاظمی و تشکیل کابینه

گزینه دیگر رئیس جمهور عراق برای پست نخست وزیری این کشور مصطفی کاظمی بود تا با انتصاب او و راه اندازی کابینه ای توافق شده با احزاب پارلمانی بتواند مرهمی بر بحران و بن بست غیر قابل حل حکومت بگذارد. در میان بالایی ها کاظمی به طرفداری از دولت آمریکا شناخته شده است. او می کوشد بالانسی در رابطه با مناسبات حکومت عراق با دولت آمریکا و جمهوری اسلامی ایجاد کند. جدا از این در احزاب شریک در پارلمان عراق، ( شیعه، سنی و احزاب حکومت اقلیم کردستان نه بصورت یک دست و متحد بلکه بسیار متشتت ) با کاظمی مخالفت اصولی ندارند. اما دعوا میان آنان بر سر پست و موقعیت های کلیدی هر یک از این احزاب در دولت و کابینه کاظمی است. حزب ایاد علاوی و حزب نوری مالکی به همراه گروه های کوچکتر دیگری مخالفت خود را با کاظمی و کابینه اش اعلام کردند. پیداست که موافقت و مخالفت با نخست وزیری و تشکیل کابینه مصطفی کاظمی از سوی این احزاب فقط بر بستر سهم، پست و موقعیت های کلیدی در دولت جهت غارت هر چه بیشتر هستی مردم عراق است. محمد کاظمی یک ماه فرصت داشت تا اعضای کابینه اش را به پارلمان معرفی کند. دو روز



مانده به پایان این موعود، یعنی در روز چهارشنبه ششم ماه مه، پارلمان عراق تشکیل جلسه داد و مصطفی کاظمی اعضای کابینه اش را بجز پست وزیر نفت و وزیر خارجه به پارلمان معرفی کرد.

در رابطه با مصطفی کاظمی از آنجا که بدلیل شیوع ویروس کرونا تجمعات گسترده اعتراضی همانند پیش از بروز این ویروس کم شده است، اما مردم ناراضی عراق در مورد او نیز همان معیارهای قبلی در مورد انتصاب نخست وزیران شکست خورده پیشین مبنی بر اینکه هیچ مهره ای را که طی ۱۷ سال گذشته که مقام و منصبی در حکومت عراق داشته باشند قبول ندارند، شامل مصطفی کاظمی هم میشود چرا که او بمدت دو سال وزیر اطلاعات در دولت عراق بوده است. بالاخره اواخر روز چهارشنبه ششم ماه تا بامداد روز پنجشنبه هفتم مه جلسه پارلمان برای دادن رای به کابینه مصطفی کاظمی ادامه داشت و از ۲۲ وزیر تعداد ۱۵ وزیر توسط نمایندگان حاضر در پارلمان تایید شدند. ۵ وزیر مورد تایید قرار نگرفتند و دو پست اصلی وزارت ( وزیر نفت و وزیر خارجه ) که از کلیدی ترین پستهای حکومتی است، بدلیل دعوا و سهم خواهی هر یک از احزاب پارلمانی برای بدست گرفتن این دو پست همچنان ادامه در صفحه ۱۴



## کرونا و همصدایی و همبستگی جهانی هوشیار سروش



محدودیت هایی که دولت برای کمک مستقل مردم به همدیگر بوجود آورده بود تشکیل ستادهای همیاری مردمی در سراسر کشور و برای مبارزه با کرونا از ابتکارات بزرگ و کارساز بود. درسوند در یک مورد پنج هزار نفر داوطلب کمک و حضور در بیمارستانها شدند که به پرسنل آنجا مدد برسانند و در

اسپانیا هم 20 هزار نفر از جوانان با تجهیزات کامل داوطلب شدند که بویژه به سالمندان برای رساندن غذا و دارو کمک کنند و در عین حال گروه های منفردی از خوانندگان معروف اسپانیایی آوازهای دسته جمعی سرودند و بر پشت بام ها رفتند که مردم را در این روزهای سخت شاد و آرام نگه دارند. همین نوع کمک ها را در کشورهای مختلف می توانیم ببینیم. یک نمونه بسیار جالب و الهام بخش اجرای آهنگ مشهور "بلاچاو" توسط یک جمع وسیع در ایتالیا در آستانه اول مه و به مناسبت اول مه بود که بازتاب بسیار وسیعی در دنیا پیدا کرد.

این ویژگی با جهانی شدن این دهکده بزرگ، جلوه های بزرگ تر و سترگ تری هم به خود گرفته که بسیاری درس آموز و شیرین است و دوران کرونا و قرنطینه کرونایی یکی از این دوره ها و نقطه عطف های همبستگی و هم سرنوشتی عمومی بشری است. و این آنجایی خود را بیشتر و روشن تر نشان می دهد که دولتها چه در دل هجوم این ویروس و چه بعد از

میکند، همبستگی و همراهی و هم سرنوشتی ذاتی آدمی بخصوص در شرایط دشوار و اتفاقات ناگوار که جنبه عمومی و جهانی داشته باشند بسیار برجسته تر و نمایان تر از گذشته خود را نشان می دهند. دست بر قضا دوره کرونا از محدود دوره های تاریخی است که این همبستگی علی رغم محدودیت های جامعه بشری در گستره جغرافیایی کشورها و بعضا حبس و قرنطینه آدمها بطور کامل خود را بخوبی نشان میدهد. ظاهرا این همبستگی حداقل در این شکل ویژه و هیجان انگیز خود ابتدا و بشکل خود انگیخته و در جریان قرنطینه کامل مردم در خانه هایشان در ایتالیا که بشدت از شیوع این بیماری آسیب دیده بود تجلی پیدا کرد. موزیک و آوازخوانی از بالکن خانه ها شروع یک همبستگی شاد و آرامش بخش برای مردمی بود که گویی بطور واقعی دچار یک حبس کامل شده بودند. بتدریج همین هم آوازی و هم نوبی در عرصه های مهم تری در جاهای مختلف دنیا بوقوع پیوست.

فکر نمی کنم که برای کسی جای تردیدی باقی مانده باشد که دنیای پس از کرونا دنیایی کاملا متفاوت و بعبارتی دنیای دیگری است. این موضوع از هر اظهارمن الشمسی روشن تر است. همین امروز و هریک از ما می توانیم به دیروز خود مان و امروزمان نگاه کنیم که امروز و همین الان قطاردیروز از ایستگاه خود گذشته است و دیگر هرگز و هرگز بر نخواهد گشت.

همبستگی عمومی در ابعاد وسیع و گسترده همیشه وبخصوص در مقاطعی از حیات بشری وجود داشته است که بواقع بعنوان یک خصلت ذاتی و تعطیل ناپذیر موجودیت انسانی، فارغ از مکان جغرافیایی و زمان وقوع چهره نشان داده است. این همسرنوشتی و وحدت وجودی حیات انسانی همیشه بعنوان خصلت نمای حضور و پویایی و جاودانگی عنصرزنده نمود داشته و شکل های ویژه ای بخود گرفته است.

برخلاف مناسبات و سلطه موجود سیستم سرمایه که ذاتا انسان را به عناصر منفرد و از خود بیگانه تقسیم و پراکنده

این فقط جلوه بسیار کوچکی از همبستگی و هم سرنوشتی انسانی بود که در این دوره سخت زندگی نمایان شد و یکباردیگر و در یک بعد جهانی وحدت جامعه بشری و پویایی عنصرزنده را نشان داد. بدون تردید همین هم سرنوشتی و همبستگی را برای پیشبرد اهداف بزرگ ترو والاتر انسانی بعد از این دوران سخت هم مشاهده خواهیم کرد. قطعاً چنین روزهایی را در آینده پیش روی خواهیم داشت، بخصوص که در مورد ایران، مدتهاست که مردم در سراسر ایران برای بگورسپردن این رژیم با هم متحد شده اند و بارها در صفوف بزرگ به خیابان آمده اند و آخرینش بعد از آبان ماه، درست قبل از پاندمی کرونا و سرنگونی هوایمای اوکراینی بود. قطعاً دوره کرونا، دوره کوتاهی است. این نیز می گذرد. دوره رویارویی های گسترده تر با ارتجاع اسلامی و سرمایه داران مفتخور در راه است. بحران کرونا به احتمال زیاد مردم جهان را با امر مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی و کل مافیای سرمایه داری نزدیک تر خواهد کرد.\*

آن دارند به جان هم می افتند و کمک و یاری به دیگر مردمان و نجات مردم مبتلا را وظیفه خود نمی دانند. نمونه زیاد است. است که مشاجرات دولت های اروپایی را در دل دچار شدن مردم این کشورها به ویروس کرونا در ندادن امکانات به همدیگر به یاد بیاوریم و یا هم اکنون که شاهد دعاها و مشاجرات دو دولت امریکا و چین هستیم. و این در حالی است که مردم دنیا در این دوره کرونایی با محدودیت های بسیار گسترده و کم نظیری در خانه های خود در قرنطینه قرار دارند. خود یاری و ابتکارات خود انگیخته کمک و همبستگی جهانی به اشکال مختلف و بخصوص از طریق موزیک و آواز و یا همیاری و رساندن کمکهای اولیه مثل خوراک، همچنین دارو و کمکهای اولیه زندگی، فقط یکی از جلوه های این حرکت و نماد وحدت و یگانگی جامعه بشری است که انجام داده اند تا این غم و اندوه فراوان و بعضا غیرقابل تحمل را تسکین و التیام بخشند هر چند موقت و کوتاه.

**WE STILL NEED MARX  
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker Communist Party of Iran  
www.wpiran.org

## وعده پوچ پرداخت بیمه بیکاری در دوران کرونا محمد شکوهی



بیش از دوماه از وعده دولت مبنی بر پرداخت بیمه بیکاری به میلیونها کارگر بیکار شده در اثر شیوع کرونا می‌گذرد. دولت اواخر اسفند مدعی شد که به همه کارگران بیکار شده بیمه بیکاری پرداخت خواهد کرد. در کنار این وعده، دولت اعلام کرد "بسته کرونایی" برای تامین معیشت کارگران بیکار شده در اولویتش بوده و بزودی اعمال خواهد شد. متعاقباً وزارت کار با راه اندازی سامانه ثبت اینترنتی اطلاعات متقاضیان بیمه بیکاری از کارگران بیکار شده درخواست کرد تا اطلاعاتشان را به این سامانه ارسال داشته تا بعد از "غربالگری" داده های اطلاعاتی، نحوه و چند و چون شمول بیمه بیکاری را به اطلاع متقاضیان برساند.

این هفته دولت و وزارت کار آمار و ارقام ثبت نام متقاضیان دریافت بیمه بیکاری را اعلام کردند. در همین رابطه علی مظفری مدیرکل بازرسی کار وزارت کارگرفته است: "از حدود ۸۰۰ هزار نفر ثبت نام شده در سامانه ثبت بیمه بیکاری، حدود ۶۰۰ هزار کارگر مشمول دریافت بیمه مقرر بیکاری شدند". اعلام این خبر توسط وزارت کار حکومت به معنای حذف نزدیک به ۲۰۰ هزار نفر ثبت نام کننده

خودداری نمایند. آنچه مسلم است تا به امروز بیمه بیکاری شامل حال کارگران نشده و پرداخت آن به مصوبه ها و شرط و شروط های بعدی دولت، وزارت کار و کارفرمایان موکول شده است.

همه این بازیها بیانگر دروغ بودن وعده دولت مبنی بر پرداخت بیمه بیکاری به کارگران بیکار شده در اثر بحران کرونا میباشد. در واقع از اول نیز معلوم بود که سرمایه داران و دولتشان فکر و ذکرشان نه تامین معیشت میلیونها کارگر بیکار شده، بلکه کیسه دوختن برای اعتباراتی است که به بهانه بسته کرونایی تصویب شده و طبق ادعای حکومت باید به کارگران پرداخت میشد. اینها ادعا کردند هزاران میلیارد تومان برای این امر اختصاص داده اند و طرح دارند و کارگران برای دوران بیکاری ناشی از کرونا، بیمه بیکاری دریافت خواهند کرد. اما معلوم شد که همه این ادعاها دروغ و سردواندن کارگران و حواله دادنشان به آینده، یعنی به "عادی سازی" بحران شیوع کرونا در جامعه محول شده است.

تازه این سرنوشت صدها هزار کارگری است که رسماً با سابقه کار چندین ساله در سامانه دریافت بیمه بیکاری ثبت نام کرده اند. وضعیت میلیونها کارگر ساختمانی و خدماتی و کارگران روز مزد که نه کاری دارند و نه مشمول بیمه بیکاری حکومت هستند و نه درآمدی روشن است که بسیار از این اسفناک تر است. در فاصله دوماه گذشته، دولت و نهادهای حکومتی تلاش کردند با ارائه بسته

های محدود معیشتی کرونایی این جمعیت بزرگ را تا حدودی راضی نگه داشته و با تکرار وعده های دروغین حکومت در مورد پرداخت بیمه بیکاری؛ کارگران را سردوانده و در حالت انتظار نگه دارند. دولت رسماً سیاست صدقه دادن و کمک غذایی را جزو سیاستهای دوران کرونا قرار داده، به این امید که این دوره را هر چه زودتر به پایان رسانده و با شروع به کار؛ در هزینه های بیمه بیکاری صرفه جویی کند.

در بحبوحه همین اوضاع بد معیشتی و بلائیکافی میلیونها کارگر و سقوط معیشت همگانی شان، حکومت و دولت سرمایه داران رسماً و علناً دارند از جیب کارگران دزدی می کنند. حداقل تا آنجایی که به همین اخبار حکومتی برمی گردد، صدها هزار کارگر حق بیمه پرداخت کرده و وزارت کار هم نائید کرده و این حق طبیعی شان است که از مزایای بیمه بیکاری استفاده بکنند. اما دولت دزدان اسلامی سرمایه با این سیاست رسماً سهم بیمه بیکاری میلیونها کارگر را دزدیده و صرف امورات دیگر خود کرده است. تازه بعد از گذشت دوماه وزارت کار و مقاماتش با وقاحت و بی شرمی می گویند که اعتباری برای این امر اختصاص داده نشده است. اطلاعاتی جلودگویی از خودداری پرداخت بیمه بیکاری که از طرف سازمان تامین اجتماعی صادر شده، خود گواه دیگری بر سردواندن و نهایتاً عدم پرداخت بیمه بیکاری به کارگران را تأیید کرد.

از بدو اعلام وعده های حکومت مبنی برای تخصیص بودجه به تامین معیشت کارگران بیکار شده در دوره بحران کرونا هم معلوم بود که این وعده ها پوچ و سروداندن کارگران بوده و دولت این تعهداتش را عملی نخواهد کرد. هدف دولت، بیشتر آرام کردن کارگران بیکار شده و تلاش و تقلا و زمینه چینی برای "عادی نمایی" بحران شیوع کرونا و اعلام رسمی شروع کار و فعالیت های اقتصادی بود. سیاستی که دولت رسماً از ۲۳ فروردین دستور آغاز کار و فعالیتهای اقتصادی را صادر کرد تا به این بهانه از زیر پرداخت بیمه بیکاری در رفته، هزاران میلیاردی که قرار بود بابت بیمه بیکاری دوره کرونا به کارگران پرداخت شود را بالا کشیده، و دوباره میلیونها کارگر علیرغم ادامه شیوع کرونا و ناامنی محیط های کار و خطر ابتلا به این بیماری، روانه کارشان کند.

در برابر این سیاستهای بغایت ضد انسانی، کارگران بایستی متحدانه و سراسری خواستار تامین فوری معیشت، پرداخت بیمه بیکاری مکفی برای همه بیکار شدگان توسط دولت به عنوان بزرگترین کارفرما شوند. این وظیفه دولت است که در شرایط بحرانی زندگی و معیشت و امنیت غذایی شهروندان را تامین نماید. برای تحمیل این مطالبات به دولت دزدان و آدمکشان اسلامی سرمایه؛ کارگران چاره ای جز مبارزه و اعتراض ندارند. حکومت فقط زبان زور و اعتراض را می فهمد.\*



از صفحه ۳

## "خلیج همیشه فارس" ...

نیست. هرگز نبوده است. در تاریخ سیاسی ایران، اسلام و ناسیونالیسم یا باهم بوده اند، یا درکنار هم بوده اند، یا زیر بغل هم را گرفته اند و در بدترین حالت برای قدرت و هژمونی سیاسی رقابت کرده اند تا به ایدئولوژی اصلی طبقه حاکم تبدیل شوند. با انقلاب ۵۷، با سقوط نظام سلطنتی و با شکست آن انقلاب - به عبارت درست تر برای شکست آن انقلاب - بورژوازی به ایدئولوژی اسلامی پناه برد که حاصلش حکومت اسلامی بود. اگر با شکست انقلاب ۵۷، ناسیونالیسم به مثابه ایدئولوژی سلطنت سرنگون شده با اسلام جایگزین شد و ناسیونالیسم به اپوزیسیون رانده شد، اما طولی نکشید که این دو ایدئولوژی ارتجاعی متوجه شدند که باید در عین رقابت، در مقابل یک خطر و دشمن مشترک هوای هم را داشته باشند. آن خطر دشمن مشترک تهیدستان بیخاسته هستند که آخرین جلوه قدرتمند ابراز وجودشان قیام آبان ۹۸ بود. ناسیونالیست ها هم می دانند اسلام منفور است و باید به

خلع سلاح کند.

### خلیج تهیدستان، خلیج رانت خواران!

تبلیغات و تحریکات ناسیونالیستی بر سر نام خلیج، غوغا بر سر "خلیج همیشه فارس"، تاکتیک سیاسی برای مشغول نگه داشتن این مردم با چیزی است که هیچ ربطی - مطلقاً هیچ ربطی - به زندگی آنها ندارد. خلیج اسمش هر چه باشد، دیگر حتی نا آگاه ترین بخش های مردم هم می دانند که ثروت و منابع "خلیج همیشه فارس"، همیشه به جیب میلیاردهای حاکم می رود و هرگز نانی بر سفره هیچ کارگری اضافه نمی کند. می دانند که ثروت این خلیج در شکل ارزهای معتبر جهانی در بانکهای امن جهانی در حساب آقازاده های حکومتی دپوزیت می شود در حالیکه میلیونها مردم همان حاشیه شمالی خلیج زیر خط فقر، گرسنه روز را به شب میرسانند. می دانند که هزاران زحمتکشی که معاششان به ماهیگیری در خلیج منوط است هر روز دست خالی از خلیج برمی گردند چون بستر خلیج توسط کشتیهای غول پیکر چینی جارو میشود و بخشی از آن باز هم به صورت ارزهای معتبر به حساب رانت

خواران قهار حکومتی ریخته می شود. غوغای "خلیج همیشه فارس" در واقع راه انداختن گرد و غبار است که پشت آن "برادران قاچاقچی" در امنیت کامل قاچاق های کلان و نجومیشان را پیش ببرند.

### خلیج به کی تعلق دارد؟

منابع و ثروت خلیج اگر به کسی تعلق ندارد همانهایی هستند که در دو سوی آبهای خلیج حکمرانی می کنند. حکام عربستان و شیخ نشین ها و حکام اسلامی حاکم در ایران. اینها دزدان خلیج هستند چه عنوانش فارس باشد یا عربی. دست همه این مفتخوران آدمکش اسلامی - چه سنی و چه شیعه - باید از این ثروت عظیم قطع شود.

اگر دنیای وارونه کله پا شود و روی قاعده اش قرار گیرد، نه تنها خلیج و منابع اش بلکه ثروت و منابع و امکانات همه دنیا متعلق به مردم همه دنیاست. اما حتی فقط منطقه را در نظر بگیریم، منابع و ثروت خلیج همانقدر متعلق به ۸۵ میلیون ساکن ایران است که به جمعیتی بسیار بیشتر در عربستان سعودی و کشورهای کوچک و بزرگ حاشیه جنوبی خلیج و عراق. و در همه این کشورها خلیج نه مثلاً به

"پارسیها" و "عربها" بلکه به همه آدمها - بله همه آدمها، یعنی همه شهروندان - تعلق دارد حتی اگر این آدمها و شهروندان اصلاً زبان "پارسی" بلد نباشند مثل "بلوچها و کردها و ترکها" یا به عربی هم نتوانند تکلم کنند مثل بیش از ۱۰ میلیون کارگر مهاجر از فیلیپین و پاکستان و بنگلادش و افغانستان که در شرایطی برده وار در حاشیه جنوبی "خلیج همیشه فارس" دارند برای شیوخ مفتخور ثروت خلق می کنند. خلیج به هزاران هزار کارگر مناطق ویژه اقتصادی حاشیه شمالی خلیج در ایران تعلق دارد که در آن کارگران در بی حقوقی مطلق برای مفتخوران حاکم در ایران ثروت تولید می کنند و حتی مشمول قوانین "کارگری" خود جمهوری اسلامی هم نیستند.

خلیج را باید از دست دزدان دریایی حکومتی جنوب و شمالش رها کرد و به دست صاحبان اصلی اش داد. آنگاه می توان به خلیج مثلاً نام خلیج مروارید یا هر اسمی از طبیعت را داد و ناسیونالیسم فارس و عرب را به حال خود رها کرد که خرخره هم را بر سر "خلیج همیشه فارس" یا "خلیج همیشه عربی" بچوند تا به حالشان خندید.\*

جمهوری اسلامی می باشد. ممنوعیت فعالیت حزب الله در آلمان و همینطور محاکمه دو افسر جنایتکار دولت سوریه در این کشور و بازداشت حمید نوری عضو تیم شکنجه و اعدام جمهوری اسلامی در سوئد، راه را بر فعالیت برای ممنوعیت فعالیت تروریسم اسلامی و دولت های اسلامی در کشورهای غربی هموارتر میکند. نه فقط حزب الله بلکه حضور تمام حکومت ها و گروههای تروریستی اسلامی با تمام شاخه های آن در آلمان و در کل اروپا باید ممنوع شود.

**تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران**

۴ مه ۲۰۲۰

## فعالیت حزب الله لبنان در آلمان ممنوع شد!

دولت آلمان روز پنجشنبه ۳۰ آوریل اعلام کرد که فعالیت گروه حزب الله لبنان و انجمن های وابسته به آن را ممنوع اعلام کرده است. به گفته مقامات دادستانی این کشور حزب الله لبنان و انجمن های وابسته اش مشغول پولشویی و تامین مالی گروههای تروریستی در این کشور بوده اند. در کنار آن تهدید به ترور مخالفان دولتهای اسلامی، سازماندهی دستجات باند سیاهی علیه مخالفان اسلام سیاسی، حمایت از گروههای تروریستی در سوریه و عراق و موضوع نابودی اسرائیل از جمله

عوامل و عناصر تروریست حزب الله لبنان در خارج کشور بود. ترور دهها مخالف رژیم در کشورهای اروپایی، ماجرای ترور رهبران حزب دموکرات در رستوان میکونوس در اوایل دهه نود و اثبات هویت دو نفر از تروریست ها که از وابستگان حزب الله با پاسپورت های ایرانی بودند، فقط چند نمونه آن است. حزب الله لبنان و سایر جریانهای اسلامی در اروپا، علاوه بر فعالیت های تروریستی، با استفاده از پولهای هنگفتی که از جمهوری اسلامی و دولت عربستان و سایر دول اسلامی میگیرند، تلاش های گسترده ای در میان مهاجرین منتسب به اسلام برای جذب آنها به اهداف و سیاستهای ارتجاعی انجام

## در ستایش کانال جدید! ...

و گفت همسایه اش که ساکن استان فارس است خیر داده که برادرت در کانال جدید است و همچنین دوست دیگرش که ساکن جنوب است گفته که در کانال جدید او را دیده است. این مشاهده دیگر مهمانان برنامه هم هست که خانواده شان با آنها تماس گرفته و بعضا سورپرایز شدند

که او در کانال جدید حضور دارد. این مهمان برنامه می گفت انتظار نداشته که خانواده او بیننده کانال جدید باشند. در انتها اضافه کنم کانال جدید (تلویزیون حزب کمونیست کارگری ایران) در داخل ایران به مراتب از خارج از ایران شناخته شده تر است و اهمیت سیاسی آن بیش از

خارج از کشور شناخته شده است. هر چند دوستان و اسپانسورهای کانال جدید عموماً در خارج ایران زندگی می کنند و بدون این بخش از دوستداران کانال جدید با دشواری در تداوم فعالیتش روبرو می شود، اما تپش قلب تلویزیون کانال جدید عموماً وسیعاً در ایران است که شنیده می شود و این هم از شرایط زندگی مردمی است که عزم کرده اند جمهوری اسلامی را شکست بدهند.

مردم ایران با این شبکه آزادیخواه و برابری طلب به سلاحی دست یافته اند که به راحتی نمی شود ناسیونالیسم و زن ستیزی و نابرابری اجتماعی را امری ابدی و ازلی جلوه داد. مردم رهایی از شر جمهوری اسلامی را می خواهند. مردم یک جامعه انسانی می خواهند و کانال جدید در ابعاد میلیونی بر فضای فکری و سیاسی و مبارزاتی جامعه تاثیر می گذارد.

**انترناسیونال:** انتظار ویژه ای از خوانندگان انترناسیونال دارید؟  
**کیوان جاوید:** بله ما داوطلب می خواهیم. برنامه ساز و تهیه کننده و کادر فنی آموزش دیده و اکتویست و گزارشگر می خواهیم. آستین بالا بزنید تا با هم برای ساختن یک دنیای نوین مبارزه کنیم.  
**انترناسیونال:** با تشکر از شما.

## سرنگون باد حکومت چپاول و جنایت اسلامی

### DOWN WITH THE ISLAMIC REGIME OF IRAN

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran

نیست که چند نفر با جرتقیل حکومت به قتل نرسند. این حکومت سراپا جنایت و فساد و نکبت است و تنها با سرنگونی آن به این جنایات پایان داده میشود.

جنایت هولناک جمهوری اسلامی علیه افغانستانی ها را باید وسیعاً محکوم کرد. حزب کمونیست کارگری همه جریانات سیاسی، تشکلهای کارگری، فعالین اجتماعی و همه مردم آزاده را فرا میخواند که صدای خود را علیه این جنایت بلند کنند.

**حزب کمونیست کارگری  
ایران**

۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۹  
۳ مه ۲۰۲۰

جنایتی علیه افغانستانی های مقیم ایران صورت نگرفته باشد. حتی کودکان افغانستانی را از تحصیل محروم کردند، ازدواج ایرانی افغانستانی را ممنوع کردند، ورود و اسکان افغانستانی ها به ۳۷ شهر در ۱۷ استان کشور و برخی اماکن را ممنوع کردند و هزار جنایت دیگر علیه آنها مرتکب شده اند. و نه فقط با شهروندان افغانستانی بلکه جمهوری اسلامی با اکثریت مردم همین رفتار را داشته است. هفته ای نیست که چند کولبر به دست مزدوران حکومت کشته نشوند، هفته ای نیست که تعدادی از مردم حق طلب دستگیر نشوند، هفته ای

جمهوری اسلامی به روال همیشگی جنایت خود را تکذیب میکند. اما دنیا "حکومت رافت اسلامی" را بویژه پس از سرنگونی هوایمای اوکراینی و سه روز تلاش برای مخفی نگهداشتن نقش سپاه در این جنایت و نهایتاً اعتراف اجباری به آنرا میشناسد. این اولین بار نیست که جمهوری اسلامی با شهروندان افغانستانی چنین رفتار میکند. سال گذشته نیز شماری از کارگران افغانستانی در بدو ورود به مرزهای ایرن با تیراندازی سنگین نیروهای مرزی جمهوری اسلامی کشته شدند. روزی نبوده است که در تمام طول حاکمیت جمهوری اسلامی

## جنایت حکومت اسلامی علیه افغانستانی ها را محکوم میکنیم

جمهوری اسلامی روز گذشته به یک جنایت فجیع دیگر دست زد. ماموران مرزبانی جمهوری اسلامی در ادامه سیاست های فاشیستی حکومت، دهها نفر از پناهندگان و مهاجرین افغانستانی که قصد ورود به ایران را داشتند دستگیر و شکنجه کرده و سپس به رودخانه پرتاب کرده اند. خبرها حاکی از آن است که حداقل ۲۳ نفر که یک کودک و چند نوجوان نیز در میان آنها بوده اند، مفقود شده که به احتمال زیاد غرق شده اند. تاکنون جسد شش نفر از آنها به هرات تحویل داده شده است.

چند روز قبل حسین قاسمی، دبیر کمیته اجتماعی انتظامی ستاد ملی مدیریت کرونای حکومت در اظهار نظری فاشیستی گفته بود که شهروندان کشورهای افغانستان و پاکستان اجازه ورود به ایران را ندارند چون "هم دارای بیماری هستند و هم می توانند مشکلات دیگری برای ما ایجاد کنند". این ادعا در حالی است که اولین بیماران مبتلا به کرونا در افغانستان و پاکستان از ایران وارد این دو کشور شده بودند. مرزبانی جمهوری اسلامی که زیر نظر سپاه فعالیت میکند گفته است که "با افغانستانی ها با رافت اسلامی برخورد میکنیم".

روز گذشته ۱۴ اردیبهشت (۲ مه) بیش از پنجاه نفر از افغانستانی های مقیم ایران از نواحی مرزی تورغندی در نزدیکی شهرستان گلران استان هرات قصد ورود به ایران را داشتند، که توسط مرزبانی جمهوری اسلامی که زیرمجموعه ای از نیروهای انتظامی است، بازداشت شده و بشدت مورد شکنجه و آزار و توهین قرار می گیرند. مرزبانان برخی از آنان را

## هشدار به مردم در مورد فاجعه کرونا در ایران

### بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران

علیرغم ادامه تلفات گسترده کرونا در ایران، جمهوری اسلامی بسرعت در حال عادی سازی فضای جامعه برای آن بلندپروازیهای سفیهانه ای است که خامنه ای آنرا "جهش تولید" نامیده است. قرار است درست در اوج شرایط کرونا تولید در کشوری که اقتصادش سالهاست به گل نشسته است جهش کند! با انتشار آمار غیر واقعی و کم کردن و سست کردن اقدامات محدودی که علیه کرونا در پیش گرفته بودند، حکومت اسلامی عملاً دارد جان و زندگی مردم این کشور را به طور جدی بخطر می اندازد و یک بار دیگر نشان میدهد که برای جان انسانها ذره ای ارزش قائل نیست.

از روز ۷ اردیبهشت ۱۳۹۷ شهر را منطقه سفید اعلام کرده اند تا مردم را به نماز جمعه و امامزاده ها بفرستند و این مناطق را حتی اگر سفید هم

باشد به مناطق سرخ تبدیل کنند و عده بیشتری را قربانی کنند. میخواهند با آمارهای کاذب تصویری عادی از اوضاع بدهند و بتدریج علاوه بر مراکز تولیدی، رستورانها و فروشگاهها و مدارس و دانشگاهها را هم بازگشایی کنند. جمهوری اسلامی که تاکنون با پنهان کاری و دهها اقدام ضد مردمی خود عامل اصلی شیوع کرونا در ایران بوده است و آمار واقعی قربانیان کرونا را چندین بار کوچکتر جلوه داده است، دارد جامعه را به طرف یک فاجعه عظیم تر سوق میدهد.

روحانی چند روز قبل گفته بود که اگر یکی دومیون نفر از بیماری بمیرند بهتر است تا اینکه سی میلیون گرسنه شورش کنند. سیاست جنایتکارانه امروزشان دقیقاً در همین راستاست. خامنه ای هم هرروز به زبانی اعلام میکند که کرونا "چیز کوچکی است" و خطر جدی ای

نیست. روحانی حتی در ستاد کذابی مقابله با کرونا ادعا کرد که هم وضع اقتصاد جمهوری اسلامی بهتر شده و هم منحنی شیوع کرونا منفی است! درست همزمان با این ادعاهای توخالی، رئیس سازمان نظام پزشکی میگوید "کمبود کالاها و وسائل حفاظتی در بیمارستانها، باعث مرگ کادر پزشکی و بیماران میشود. لوازم حفاظتی و کیتهای تشخیصی نداریم". حتی بسیاری از مقامات جمهوری اسلامی و دست اندرکاران ستاد مقابله با کرونا هم به زبان بی زبانی میگویند آمار تلفات مردم و مبتلایان به کرونا چندین بار بیشتر از آمار واقعی است و نسبت به سیاست های حکومت اظهار نگرانی میکنند. رئیس ستاد مقاله با کرونا میگوید کاهش و کنترل بیماری پیام غلطی است که دارد به جامعه داده میشود. او میگوید آمار مراجعه به بیمارستان ها در جایی مثل تهران رو به افزایش است و در یک روز ۶۳۹۰ نفر به بیمارستان مراجعه کرده اند. مقامات پزشکی علیرغم ترس

از بیان واقعیات هر روز از وضعیت خطرناک در شهرهای مختلف گزارش میدهند و میگویند در برخی استان ها کرونا دارد به مرحله خطرناکی وارد میشود و هشدار میدهند که سست کردن پیشگیریها باعث تلفات وسیعتر میشود.

ما سیاست جنایتکارانه حکومت را شدیداً محکوم میکنیم و به مردم هشدار میدهیم که با وضعیت فاجعه باری مواجه هستیم و باید خود به نجات جان و زندگی خود برخیزیم. اساس سیاست حکومت حفظ بقای خود به قیمت جان مردم است اما مردم قرار نیست تاوان اقتصاد ورشکسته و سیاست های جنایتکارانه آنرا بپردازند. حکومت را باید وادار کنیم دست از سیاست جنایتکارانه اش بردارد و از ثروت های افسانه ای که در حساب های آیت الله ها و آقازاده ها تلنبار شده است و با میلیاردها دلاری که همراه صرف نهادهای سرکوبگر و مذهبی و جریانات تروریست اسلامی در منطقه میشود، زندگی مردم را

تامین کند. نهادهای مردمی را هرچه بیشتر تقویت کنیم و نهادهای هرچه بیشتری در سراسر کشور ایجاد کنیم. اوباش حاکم را وادار کنیم که امکانات حفاظت کامل در اختیار کادر پزشکی قرار دهند و با صرف هزینه های لازم امکانات درمان مردم را گسترش دهند. تمام امکانات جامعه باید صرف سلامت مردم و زندگی مردم شود. کارگران و کارکنان مراکز تولیدی بجز بخشهای حیاتی که ناچار به کارند، میتوانند متحدهانه دست به اعتصاب بزنند و تا عادی شدن اوضاع کار را تعطیل کنند.

حزب کمونیست کارگری کلیه نهادهای مردمی مقابله با کرونا و فعالین و چهره ها و تشکل های کارگری و دیگر جنبشهای اعتراضی را به مقابله متحدهانه با اقدامات جنایتکارانه حکومت فرا

میخواند. \*

**حزب کمونیست کارگری ایران**

۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۹  
۲۸ آوریل ۲۰۲۰

## بیماری کرونا - اطلاعیه شماره ۵۱

### اطلاع رسانی حق مردم است

### دستگیری محکوم است!

ابوالفضل شکارچی، سخنگوی نیروهای مسلح رژیم اعلام کرده است که: "۳۶۰۰ نفر از افرادی که درباره شیوع ویروس کرونا «شایعه سازی» می کردند، به دست نیروی انتظامی و بسیج بازداشت شده اند و تعداد ۱۱۳۶ پرونده قضایی نیز تشکیل شده است".

جرم دستگیرشدگان ارائه تصویر واقعی از وضعیت بیماری کرونا و بی مسئولیتی کامل حکومت در مقابله با کرونا است. دستگیر شدگان از شهرها و بیمارستانهای محل کار خود

اقدام به تهیه فیلم و عکس و گزارش کرده و حقایق را در مورد گستردگی بیماری، تلفات و شرایطی که در بیمارستانها حاکم است، بیان کرده اند. به این ترتیب آنها تصویر پردازی کاذب و دروغگویی های حکومت را برملا و در هم شکسته اند.

جمهوری اسلامی همدست کروناست. از همان ابتدا با پنهانکاری، ادامه پروازها به چین، قرنطینه نکردن قم، تعطیل نکردن مراکز کار و تجمع و نماز جمعه ها و مراکز

و حکومت برای پیشگیری از خیزش مجدد دست به این تلاش های عبث زده است.

حزب کمونیست کارگری سیاست ضد انسانی حکومت در مقابله با بیماری کرونا و دستگیری ها را محکوم میکند و اقدام مسئولانه و بشردوستانه کادر درمانی و خانواده های بیماران در اطلاع رسانی را ارج میگذارد. همه دستگیرشدگان باید بی درنگ آزاد شوند.

**حزب کمونیست کارگری ایران**

۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۹  
۵ مه ۲۰۲۰

اطلاع رسانی نه فقط حق، بلکه یک وظیفه انسانی است. کادر درمانی و خانواده های بیماران و هر فرد مسئولی حق دارد و وظیفه دارد حقایق را به جامعه اعلام کند. آنچه مصداق مجرمانه دارد و ضد انسانی و شرم آور است رفتار مسئولین حکومت و رسانه های آن است.

دستگیری هزارن نفر از کسانی که اطلاع رسانی کرده اند اعتراف به شکست سیاست ارباب و سرکوب حکومت در دل بحران کرونا است. این بازداشت ها و همچنین احضار فعالین کارگری در هفته های اخیر نمایانگر تلاش حکومتی است که نگران بقاء خود است. جامعه خود را برای شرایط پس از کرونا و مقابله با حکومت آماده میکند

مذهبی، عدم اختصاص بودجه لازم برای مبارزه با کوید ۱۹ و عدم تهیه تجهیزات و لوازم پزشکی برای بیمارستانها، جلوگیری از ورود کمک های انساندوستانه کشورهای دیگر، ممانعت از تاسیس بیمارستان توسط پزشکان بدون مرز و اخراج آنها، اشاعه خرافات و ارائه آمارهای دروغ روی آورد. اکنون در یک اقدام بغایت ضد انسانی علیه کادر درمانی و افرادی که در مورد این بیماری اطلاع رسانی کرده اند، همدستی خود با ویروس کرونا را تکمیل کرد. حکومتی که حداقل تلاش را برای مقابله با کرونا کرده باشد لزومی به دستگیری هزاران نفر از مردمی که مشاهدات خود را منتشر کرده اند ندارد.



## بیماری کرونا - اطلاعیه شماره ۵۰ اخباری از اعتراضات کارگری

- روز شنبه ۱۳ اردیبهشت ماه ۵۰ نفر از کارگران و کارکنان آبفا اهواز و روستایی، در اعتراض به ادغام این دو شرکت در آبفا خوزستان در مقابل استانداری در اهواز تجمع کردند. تجمع کنندگان در این روز با نصب بنرهای بر روی دیواره ورودی شرکت نوشته بودند: «با ادغام آبفا اهواز با آبفا استان مشکلات آبفا استان حل نخواهد شد، کلانشهر اهواز با ادغام آبفا اهواز با آبفای روستای بزرگ مشکلی حل نخواهد کرد.» به گفته کارگران از آنجا که شرکت های آبفای استان خوزستان و روستایی دارای بدهی بسیاری به پیمانکاران، تامین اجتماعی و کارکنان هستند، نتیجه این ادغام وضعیت اسفناک تر شرایط کار و زندگی کارگران خواهد بود.

- روز شنبه ۱۳ اردیبهشت، کارگران چند کویر خاوران در تماس با رسانه ای دولتی صدای اعتراض خود را بلند کردند. اعتراض این کارگران به بلاتکلیفی معیشتی بدنبال تعطیلی کارخانه در کوران بحران کرونا است. این کارخانه دو ماه است که تعطیل است. خواست کارگران

تعطیلی کار با پرداخت حقوق است. حقوق اسفند این کارگران در اردیبهشت پرداخت شد و آنها هنوز دو ماه دستمزد طلب دارند. این درحالیست که کارفرما 25 درصد از حقوق کارگران را به دلیل ضرر و زیان از تولید کسر کرده است و برای ۴۵ روز ۳۸۰ هزار تومان از حقوق آنها کسر شده است.

کارخانه چند کویر خاوران در شهرک صنعتی شماره 2 شهرستان خوسف، استان خراسان جنوبی واقع و در حال احداث است. فاز اول آن شامل کک و گندله سازی است که راه اندازی شده است. در این کارخانه ۳۰۰ کارگر به کار اشتغال دارند.

- روز ۱۳ اردیبهشت کارگران کارخانه آذر کنترل طی بیانیه ای در اعتراض به تعویق پرداخت چند ماه حقوق و تعطیلی ناگهانی کارخانه و فروش بخشی از ماشین آلات این واحد تولیدی از سوی کارفرما، به مسئولین اخطار دادند. به گفته کارگران به دنبال شیوع ویروس کرونا کارفرمای کارخانه آذر کنترل که در زمینه تولید انواع رگلاتور بخاری و آبگرمکن فعالیت تولیدی دارد، کارخانه

را موقتاً تا پایان اردیبهشت ماه تعطیل اعلام کرد و مقرر شد که کارگران برای دریافت مقرری بیمه بیکاری کرونا اقدام کنند. اما در این هفته وقی چند تن از کارگران برای پیگیری وضعیت شغلی خود مراجعه کردند، متوجه شدند که کارفرما در حال انتقال تعدادی از ماشین آلات کارخانه به خارج آن است. آنها وقتی علت را جویا شدند کارفرما اعلام کرد که به دلیل افزایش فشارهای مالی کارخانه، امکان ادامه فعالیت تولیدی در کارخانه را ندارند و این ماشین آلات فروخته شده است. در رابطه با این موضوع کارگران اولتیماتوم دادند که در اول خرداد باید کارخانه باز و همه آنها به سرکارشان بازگردند.

- روز ۱۲ اردیبهشت کارگران راه آهن شهرستان میرجاوه در استان سیستان و بلوچستان در گفتگو با یک رسانه محلی صدای اعتراض خود را نسبت به وضعیت نابسامان کاری خود اعلام کردند. اولین موضوع اعتراض آنها سطح نازل دستمزدهاست. کارگران میگویند با وجود سیزده سال سابقه کار و یا بیشتر فقط 2 میلیون تومان حقوق می گیرند که با تورم کنونی کشور، این حقوق به هیچ وجه کفاف زندگی آنها را نمی

دهد. بدتر اینکه حتی همین دستمزد چند بار زیر خط فقر نیز همواره با تاخیر چند ماهه پرداخت میشود. از جمله دستمزد اسفند را در اردیبهشت ماه دریافت کرده اند. از سوی دیگر علیرغم اینکه آنها بیمه تامین اجتماعی هستند اما برای آنها بیمه شرایط سخت پرداخت نمی شود و در نتیجه از همان بیمه بسیار نازلی که حق شان است نیز برخوردار نمیشوند.

معضل دیگر این کارگران نوع قراردادهای برده وار کاری و دزدی و چپاول آشکار حق و حقوق آنها توسط صاحبکاران است. از جمله به گفته کارگران شرکت طرف قرار داد راه آهن مانند شرکت ریل صنعتکاران، قرارداد ۹۰ روزه با کارگران می بندد اما به جای پرداخت حق بیمه سه ماهه، بیمه ۷۵ یا ۸۵ روز را پرداخت می کند و حتی در قرارداد شغلی، کارگران خط راه آهن را کارگر ساختمانی قید می کند تا از پرداخت مزایای مربوط به آن شغل طفره رود. بعلاوه شرکت باید قراردادهای را به صورت سالیانه منعقد کند و تمام حقوق و مزایا، حق ماموریت و ایاب و ذهاب کارگران رسمی را برای کارگران لحاظ کند. اما با انعقاد قرارداد های 3 ماهه از زیر بار پرداخت حق و حقوق آنان شانه خالی می کند.

صورت گیرد. صد نفر از آنان در این هفته اخراج شدند و تا آخر هفته نیز قرار است ۴۰۰ کارگر دیگر اخراج شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران همه کارگران شرکت نفت را به اعتراض متحدانه به اخراجها و بیکارسازیها فرا میخواند. با اعتراضی محکم و متحدانه میتوان کل سیاست بیکارسازیهای جمهوری اسلامی را به شکست کشاند و از حقوق همه کارگران و

همچنین شرکت های طرف قرار داد موظف هستند در صورت اعزام کارگران به ماموریت شبانه اضافه کاری را دوبرابر حساب کنند اما با قراردادهای سه ماهه از پرداخت این مبلغ نیز خودداری می کنند و حتی اگر آنها برای تعمیر خط به مناطق دورتر مثل فخرج بروند باید هزینه ایاب و ذهاب و غذا را از جیب خودشان بپردازند. کارگران میگویند که شغل آنها جزء مشاغل سخت محسوب می شود و بسیاری از همکارانشان به همین دلیل پس از ۲۰ سال سابقه کار بازنشست می شوند اما شرکت های طرف قرارداد راه آهن، شرایط سختی کار را برای کارگران واریز نمی کنند و بهانه می آورند این کار جزء مشاغل سخت نیست. و بالاخره اینکه اکنون در دل بحران کرونا هیچگونه امکانات پیشگیری از ابتلاء به بیماری برای آن ها وجود ندارد و حتی ماسک و دستکش نیز در اختیارشان گذاشته نمیشود. در رابطه با این مشکلات کارگران راه آهن بارها بصورت سراسری دست به اعتصاب زده اند.

### حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۹

۳ مه ۲۰۲۰

امنیت شغلی شان دفاع کرد. با اعتصاب و راهپیماییهای گسترده و با دخالت و شرکت وسیع خانواده های کارگری میتوان توطئه گریها و طرحهای ضد کارگری جمهوری اسلامی را به شکست کشاند.

### حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۹

۴ مه ۲۰۲۰

## تجمع و تظاهرات کارگران اخراجی شرکت حفاری نفت در جنوب

ساختمان مرکزی شرکت حفاری تجمع کردند و سپس بصورت راهپیمایی به سمت استانداری شهر اهواز حرکت کردند. طرح این اخراجها بدنبال دستور وزیر نفت جمهوری اسلامی به شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب مبنی بر ترخیص 20 دکل حفاری شرکت حفاری ایران به

بنا بر خبر رسیده به حزب امروز ۱۵ اردیبهشت صد کارگر شرکت حفاری نفت در جنوب دست به راهپیمایی زدند. این کارگران به نمایندگی از چند هزار کارگر این شرکت که در معرض اخراج قرار دارند، در اعتراض به در پیش بودن موجی از بیکارسازیها در شرکت ملی نفت مقابل

## اعتصاب ۳۵۰۰ کارگر معدن زغال سنگ کرمان

روز ۱۵ اردیبهشت سه هزار و پانصد کارگر شرکت زغال سنگ کرمان دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب در ادامه اعتراضات کارگران زغال سنگ به فروش سهام معدن و خطر بیکار شدنشان از کار و تعویق پرداخت دستمزدها و عدم پاسخگویی به دیگر مطالباتشان صورت میگیرد. کارگران اعتصابی در مقابل محل کار خود تجمع کردند و برخواستهای خود تاکید نمودند. قبلا نیز در همین رابطه کارگران این معدن در سه شهرستان راور، کوهبنان و زرند اعتصاب داشتند و با برپایی تجمع در مقابل دفاتر امام جمعه های این سه شهرستان تجمع کردند. در این تجمعات به کارگران وعده

داده شد که تا ۱۰ اردیبهشت به مشکلات آنها رسیدگی خواهد شد و کارگران اولتیماتوم داده بودند که اگر پاسخی نگیرند اعتراضات خود را از سر خواهند گرفت. امروز در ادامه این اعتراضات کارگران متحدانه وارد اعتصاب شده اند و اعلام کرده اند که تا رسیدن به خواسته های خود به اعتراض ادامه خواهند داد.

کارگران معدن زغال سنگ کرمان به سطح نازل دستمزدها اعتراض دارند و بعنوان یک قدم فوری خواستار اجرای طرح طبقه بندی مشاغل با اعمال دقیق ضرائب سختی کار، افزایش دستمزد متناسب با عنوان شغلی و سابقه کار و پرداخت

دیگر مزایای شغلی خود هستند. به گفته کارگران بسیاری از آنها بعد از ۲۰ سال سابقه کار در زیر زمین و شرایط مرگبار و اسفناک کاری تنها دو میلیون و هفتصد هزار تومان مزد میگیرند که چندین بار زیر خط فقر است.

این کارگران در تجمع قبلی خود روز اول اردیبهشت طی نامه ای خواسته های خود را اعلام کرده و از جمله بر خواسته های زیر تاکید کرده بودند: تبدیل وضعیت قرارداد کارگران از انجام کار معین به قرارداد دائم، پرداخت حق بیمه و تامین حقوق فروردین ۱۳۹۹ کارگران که کار به دلیل کرونا تعطیل بوده، اجرای صحیح، کامل و بدون نقص طرح طبقه بندی مشاغل، احتساب ضریب شغلی

بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان آور، پرداخت حق اضافه کاری مقرری، افزایش دستمزد متناسب با سایر مشاغل و افزایش های سالیانه برای کارگران معادن زغال سنگ کل استان و داشتن امنیت شغلی

اعتراض کارگران زغال سنگ کرمان به دزدی های پشت پرده و بالا کشیدن سهام معدن و به خطر افتادن کار و معیشتشان، به طور واقعی محور مشترکی با اعتراضات کارگران آذرآب، هپکو، نیشکر هفت تپه، فولاد اهواز و بسیاری مراکز دیگر کارگری دارد که در آنها دزدی و چپاول و قراردادهای برده وار کاری بیداد میکنند و همه این مراکز همواره کانون های داغ اعتراض بوده اند و این موضوع اعتراضی سراسری در

سطح جامعه است. امروز کارگران زغال سنگ کرمان در برابر این بساط چپاول و دزدی به میدان آمده اند. حزب کمونیست کارگری ضمن اعلام حمایت قاطع خود از مبارزات کارگران زغال سنگ بر نقش خانواده ها در تقویت این مبارزات و اطلاع رسانی گسترده و جلب همبستگی مردم کرمان که بسیاری از آنها خانواده ها و وابستگان همین کارگران هستند و کارگران در دیگر مراکز کارگری تاکید دارد. ما همه کارگران و مردم را به حمایت از کارگران زغال سنگ کرمان فرا میخوانیم.

**حزب کمونیست کارگری ایران**

۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۹  
۳ مه ۲۰۲۰

## اعتصاب کارگران آذرآب و سیمان لوشان و حمایت های بین المللی از کارگران زندانی و معلمان در بند

ساختمان این کارخانه دست به تجمع زدند.

در پاسخ به کارزاری جهانی برای آزادی زندانیان سیاسی و مشخصا وضعیت جعفر عظیم زاده رئیس هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و اسماعیل عبدی از رهبران اعتراضات معلمان عفو بین الملل با انتشار طوماری اعتراضی کارزاری در حمایت از آنان به راه انداخته و از مردم تقاضا کرده است که وسیعا این طومار را امضا کنند!

از سوی دیگر پنج کنفدراسیون اتحادیه های کارگری، س اف د ت، س ژ ت، اف اس او، سولیدر، او ان اس آفرانسه طی نامه ای اعتراضی خطاب به مقامات حکومت اسلامی نسبت به وضعیت هشدار دهنده اسماعیل عبدی و محمد حبیبی دو معلم در بند هشدار داده اند. اتحادیه های کارگری در فرانسه خواستار لغو همه

روز ۱۳ اردیبهشت کارگران شرکت صنایع آذرآب در ادامه اعتراضات خود به پرداخت تنها نیمی از دستمزد اسفند ماه، دست به اعتصاب زدند. این کارگران نسبت به عدم پرداخت پاداش آخر ماه و کسری از حقوق اسفند ماه خود که دو روز قبل به آنها پرداخت شده اعتراض داشته و وارد اعتصاب شده اند. آذرآب یکی از کانون های داغ اعتراضات کارگری است که کارگران بارها بر سر موضوع تعویق پرداخت دستمزدها و دزدی های پشت پرده برای به تعطیلی کشاندن کارخانه تجمعاتی اعتراضی برپا کرده اند.

روز شنبه ۱۳ اردیبهشت ماه، گروهی از کارگران کارخانه تعطیل شده ی سیمان لوشان که کار خود را از دست داده اند، در اعتراض به بلاتکلیفی وضعیت شغلی شان، در مقابل

بازگردانده شد. جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی بخاطر چنین مبارزاتی امروز در زندانند. حمایت از آنان حمایت از خواسته هایی است که آنها پرچمش را بلند کرده اند و سراسری است. جعفر عظیم زاده، اسماعیل عبدی، محمد حبیبی و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند. زندانها باید تعطیل شوند.

**حزب کمونیست کارگری ایران**

۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۹  
۲ مه ۲۰۲۰

علیه امنیتی کردن مبارزات را به راه انداختند و این کمپین به حرکتی اجتماعی تبدیل شد. محمد حبیبی نیز عضوی دیگر از هیات مدیره کانون صنفی معلمان است که جرمش دفاع از خواست تحصیل رایگان برای همه کودکان و پیگیری خواسته های اعتراض معلمان بوده است جمهوری اسلامی در برابر این خواست مقاومت کرده و زندانها را دایر نگاهداشته و حتی با مرخصی جعفر عظیم زاده مخالفت میکند. اسماعیل عبدی نیز که برای نوزده روز مرخصی رفته بود به زندان

محمومیت های غیرعادلانه و مغایر با آزادیهای پایه ای انسانی شده و بر آزادی بدون قید و شرط همه فعالین کارگری خصوصا در این دوران اپیدمی ویروس کووید ۱۹ تاکید کرده اند. حمایت های جهانی از کارگران زندانی و فعالین سیاسی دربند یک پیشروی مهم در جنبش کارگری و مبارزات مردم است. باید وسیعا به این کمپین های مبارزاتی پیوست.

جعفر عظیم زاده رئیس هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران یکی از رهبران طومار ۴۰ هزار امضا با خواست افزایش دستمزدها به بالای خط فقر است. او در کوران بحران کرونا نیز طی مصاحبه ای ضمن اشاره به وضع فاجعه بار زندانها و تهدید خطر ابتلای زندانیان به این بیماری مرگبار، خواستار تعطیلی زندانها و آزادی همه زندانیان شد. همچنین جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان دو چهره شاخص کارگری هستند که در سال ۹۵ کارزار

**برای آشنایی، ارسال خبر، گزارش، همکاری و عضویت در حزب کمونیست کارگری میتوانید با آدرس های زیر تماس بگیرید:**

سایت حزب: [www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

واتس اپ: +۴۴ ۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

تلگرام: @wpi\_hkki

پیامگیر تلگرام: @wpi\_tamas

اینستاگرام: wpi91

فیسبوک: [www.facebook.com/wpiran](https://www.facebook.com/wpiran)



## تحریر و نه بزرگ به کابینه...

خالی مانده است. این را قرار است در آینده شروع کار دولت و در جریان بده و بستانهای احزاب، بشکلی با توافق و امتیاز دادن و امتیاز گرفتن بین خود تقسیم کنند. بدلیل احتمال بالاگرفتن دعوا در جریان برگزاری جلسه معرفی کابینه در جلسه روز چهارشنبه، مطلقاً مناسب دست ساز و توافق شده بین احزاب برای معرفی کابینه، از طریق میدیا و رسانه های رسمی حکومت عراق از تلویزیون پخش نشد. دلیل اصلی آن برای حاکمیت این بود که در صورت بروز هر گونه تشنج در پارلمان، بلافاصله مردم مجدداً برای از سرگیری اعتراضات علیه احزاب پارلمانی به خیابان ها خواهند آمد و علیه این دارودسته ها اعتراضات را از سر خواهند گرفت.

از سوی دیگر طی روزهای گذشته تمامی مدیای رسمی و غیر رسمی در عراق، ایران، اقلیم کردستان و دیگر رسانه های عربی زبان و فارسی زبان در خارج از عراق نیز تصویری وارونه از این اوضاع به دنیا مخابره کردند که گویا این

بر این چهار جریان که خود را وابسته به مراجع شیعه در عراق می خوانند، ده گروه دیگر می خواهند از حشد الشعبی فاصله بگیرند و در ساختار ارتش عراق سازماندهی شوند. این را هم باید اضافه کرد، در حالی حشد الشعبی دچار ریزش و چند دستگی شده است که پیشتر قاسم سلیمانی در صدد ایجاد یک سپاه واحد بنام "سپاه اسلامی" از گروههای متشکل در حشد الشعبی بود تا از این طریق آنرا گسترش دهد و از آن نیرویی بلامنازع در عراق و در منطقه سازمان دهد.

از یک سو بحران و بن بست حکومت عراق و خروج بخشی از نیروهای آمریکایی از این کشور و از سوی دیگر بهم ریختگی صفوف جریان حشد الشعبی، این امکان را برای پس مانده های دولت اسلامی داعش مهیا کرده است تا به یک سری عملیات علیه گروه حشد الشعبی دست بزنند که اخیراً در مناطق "حویجه"، "دقوق"، "دباله" و مجموعاً در شش منطقه اطراف بغداد اقدام به حمله به مراکز حشد الشعبی کردند که بنا به خبرهای منتشر شده بیش از چهل کشته و تعداد دیگری زخمی از حشد الشعبی بر جای گذاشته است.

## سربر آوردن خشم انقلابی پسا کرونای مردم عراق

تمامی وقایع و تحولات هشت ماه گذشته در عراق بر بستر حضور و خیزش میلیونی مردم این کشور علیه دولت و پارلمان، علیه حضور جمهوری اسلامی و علیه تمامی دارودسته های کاتگستر مسلح و سرکوب در عراق بوقوع پیوسته است. با اینکه مسئله شیوع پاندمی کرونا به مانعی در مقابل ادامه تجمعات معترضین در میدان تحریر و دیگر میادین شهرهای عراق تبدیل شده اما خواست و مطالبات مردم ستمدیده عراق همچنان بقوت خود باقی است. با کاهش جمعیت در میدان تحریر و دیگر میادین اعتراضی در شهرهای عراق، باز هم نیروهای مسلح و سرکوب حکومت قادر به اشغال و تصرف این مکانها نشده اند. مردم معترض عراق علیرغم بده و بستان احزاب پارلمانی با همدیگر علیه تداوم غارت هستی جامعه، یک نه بزرگ و محکمی در مقابل نخست وزیری محمد کاظمی و کابینه اش قرار دادند.

در این نباید کمترین تردیدی داشت که کابینه محمد کاظمی ابداً قادر نخواهد بود که بحران و بن

بست حکومت عراق را برطرف و حتی قدری از آن بکاهد. حکومتی که بیش از شش ماه است عملاً از نظر اقتصادی و سیاسی فلج شده است، اعتراضات رادیکال و میلیونی مردم تاکنون سه نخست وزیر را پایین کشیده و اوضاع و شرایط بروز و شیوع ویروس کرونا دهها برابر زندگی زیر خط فقر آنان را بیشتر کرده است، مطلقاً توانایی آنرا نخواهد داشت دردی از هزاران درد و رنج این مردم خشمگین، ناراضی، بیکار و فقر زده را درمان کند. توافق کاذب و اجباری احزاب پارلمانی برای تایید کابینه مصطفی کاظمی آنقدر شکننده است که حتی بدون اعتراضات مردم نیز دوام چندانی نخواهد داشت.

قیام و انقلابی که طی شش ماه گذشته از سوی مردم عراق برای کنار زدن احزاب عشیره ای - اسلامی حاکم بر عراق برای تحقق و تامین یک حکومت سکولار و یک زندگی انسانی بیش از ۷۰۰ نفر قربانی و ۲۷ هزار نفر زخمی از خود بر جای گذاشته است، در روزهای آینده پسا کرونا خشمگین تر از پیش به میدان خواهد آمد.\*

## انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: مراد شیخی

ایمیل: [anternasional@yahoo.com](mailto:anternasional@yahoo.com)

انترناسیونال هر هفته جمعه منتشر میشود

[www.anternasional.com](http://www.anternasional.com)

## کمک مالی

به تلویزیون کانال جدید،

صدای انسانیت و اعتراض بحق

اکثریت عظیم مردم

کمک مالی کنید!